

# استراتژی حکومت در قبال گروه طالبان تغییر خواهد کرد؟

سرمقاله

## مبارزه با فساد از حرف تا عمل

حفیظ الله زکی

باتوجه به وخامت اوضاع امنیتی و برپش هایی که پس از حمله خونین و مرگبار هفته گذشته در کابل صورت گرفت، اعضای مشرانوچرگه دیروز وزیر داخله، سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی و قوماندان زون ۱۰۱ آسمایی کابل را به منظور ارایه معلومات به این مجلس فراخوانده بود. وزیر امور داخله مدخله بزرگان سیاسی در امر تبدیلی ها و تعیینات را عامل ناکامی پولیس خواند و وعده سپرد اگر سیاست گران مانع اراده اش نشوند، تا شش ماه آینده امنیت و پولیس کارا را به وجود آورده و فساد را ریشه کن خواهد کرد. البته وزیر امور داخله به یکی از مهمترین معضلات اداری در نهادهای امنیتی اشاره کرده که نمی توان آنرا رد و یا انکار کرد. واقعیت عینی، آشکار، فراگیر و بی نهایت تلخی است که تاکنون ضربات جبرسان ناپذیری را به مردم و منافعی ملی وارد کرده است؛ این واقعیت های تلخ همان فاکتورهایی اند که تحت عنوان کلی فساد و خویشخوری از آن بحث می شود و توان و اراده حکومت را بیش از یک دهه است که به چالش مواجه کرده است. نکته مهم؛ اما این است که این گفته ها و وعده ها چیزی جدید نیست که بتوان روی آن تکیه کرد. اینها حرف هایی است که بیش از ده سال از زبان مسئولان امنیتی و غیر امنیتی کشور شنیده شده و به یاد فراموشی سپرده شده است. مردم به حسب عادت این حرف ها را می شنوند، ولی کمترین حس خوشبینی را در فضای عمومی به وجود نمی آورند و هیچ دورنما و چشم انداز جدیدی را خلق نمی کنند.

در گذشته تعدادی از مسئولان نهادهای بسیار جدی تر و قاطع تر در مورد به وجود آوردن اصلاحات در اداره و مبارزه با فساد و خویشخوری و معیاری ساختن تعینات، مقرری ها و تبدیلی ها گامی به پیش نبرده اند، که خود در عراق فساد و خویشخوری غرق شده اند. این مساله به بی گمان ادارات دولتی را از کارایی انداخته و آنها را غمیم ساخته اند.

وقتی افراد براساس روابط از مقامات بالا تعیین شود؛ اصل قانون و شایسته سالاری در ادارات پایمال می شود و به جای اشخاص تحصیل کرده، با تجربه و متعهد؛ افراد بی سواد، غیر مسلکی، تنبل و بی مبالا به قوانین و مقررات اداری، برچوکی ریاست و مدیریت تکیه می زنند. آمدن این افراد حداقل دو مشکل فوری و عمده را بر اداره مربوطه تحمیل می کند؛ اولاً نظم اداری را برهم می ریزد و ثانیاً فساد اداری را عمق و گسترش می دهند. امروزه همه کسانی که به صورت فرمایشی به مقامی رسیده اند، به نوبی در چرخه فساد قرار می گیرند و با حمایت و پشتیبانی مقامات بلند رتبه بی مهابا به اختلاس و اخاذی و حتا خیانت دست می زنند. همین افراد به شمول حامیان سیاسی شان زنجیره گسست ناپذیرفساد در افغانستان را تشکیل می دهند. نادیده گرفتن قانون و معافیست از تعقیب و مجازات دو فاکتور مهم در تقویت و گسترش فساد در کشور به شمار می رود و تا زمانی که این روند ادامه داشته باشد، هیچ وزیری و ریسی نمی تواند با فساد مبارزه کرده و اصلاحات اصولی و قانونی را در اداره تحت مسؤلیت شان به وجود آوردند.

از طرف دیگر مطابق قانون پدنه اداره باید از افراد مسلکی و متخصص و باتجربه تشکیل شود. این پدنه با تغییر رییس و وزیر نباید آسیب ببیند. هیچ مقامی مطابق قانون حق برکناری پرسنل اداری را ندارد؛ تمامی تغییرات، تبدیلات و تعیینات باید بر اساس قانون و در راستای بهبود کارهای اداری صورت گیرد. یکی از معضلات کلان در کنشسور ما به همین امر برمی گردد، که تعیینات و مقرری ها بیشتر بر مبنای سلاقی و علاقی شخصی صورت گرفته و نه قانون و مصلحت های اداری و ملی. این مساله ثبات اداری را برهم زده و تقصیر شغلی کارمندان دولتی را با خطر مواجه کرده و انگیزه از تکاپ فساد و سایر جرایم اداری را به شدت بالا برده است.

چهار بار نشست چهار جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین دایر شد. در آخرین نشست از گروه طالبان دعوت به عمل آمد که در گفتگوی رو رو با حکومت افغانستان شرکت کند. گروه طالبان پاسخ منفی به دعوت حکومت افغانستان و پاکستان داد. واکنش منفی گروه طالبان در واقع بن بست دیگر فراوی گفتگوی صلح است. با آغاز فصل بهار، گروه طالبان حملات بهاری خود را تحت نام عملیات بهاری نیز آغاز نمود. روز شنبه، ۱۹ آپریل، حمله فاجعه آمیز در کابل اتفاق افتاد که ۴۰۰ کشته و زخمی بر جای گذاشت. رئیس جمهور غنی، خطاب به گروه طالبان بیان داشت که ما اراده کشتن شما را نداریم و شما ما را مجبور کردید. اکنون این سوال مطرح است که حکومت وحدت ملی چه رویکردی در قبال گروه طالبان اتخاذ می کند. آیا استراتژی حکومت در قبال این گروه تغییر خواهد کرد و یا اینکه همچنان بر پروسه صلح و گفتگو با گروه دهشت افکن و تروریست اصرار می ورزد. سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان چگونه خواهد بود.

یک روز بعد از رویداد امنیتی کابل، امنیت ملی افغانستان مسئول حمله کابل را شبکه حقایق دانست. واکنش در رسانه های مجازی به گونه ای بود که حکومت با نسبت دادن حمله روز سه شنبه گذشته به پای شبکه حقایق در صدد آن است تا سیاست های گذشته خود را با گروه طالبان ادامه دهد. ذکر این نکته ضروری است که رئیس شبکه حقایق معاون ملا اختر منصور، رهبر کنونی گروه طالبان انتخاب شده است و او با ملا اختر منصور بیعت نموده است. بنابراین، اکنون تفاوت میان شبکه حقایق و گروه طالبان وجود ندارد. زیرا، آن ها در یک گروه قرار می گیرند. ممکن روابط شبکه حقایق و ملا اختر منصور با پاکستان متفاوت باشد اما آنچه در وضعیت کنونی مهم است این است که آن ها از یک استراتژی واحد پیروی می کنند.

بعد از رویداد سه شنبه گذشته رئیس



رحیم حمیدی

سیاست حکومت و گروه طالبان چند نکته را یادآور شوم. اول؛ پروسه صلح از سال ۱۳۸۹ در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی آغاز شد. حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان تلاش نمود تا گروه طالبان را به میز مذاکره بکشاند و برای این کار امتیازهای زیادی به گروه طالبان داد. بسیاری از اعضای این گروه را از زندان ها آزاد نمود. با وجود گزارش های مکرر در مورد بیوستن زندانیان آزاد شده به صفوف گروه طالبان حامد کرزی از راه های زندانیان گروه طالبان دست نکشید. اشراف غنی، همان سیاست حامد کرزی را شدت بیشتر دنبال کرد. جدای از تلاش ها در داخل افغانستان برای کشتن گروه طالبان به میز مذاکره از کشورهای دیگر همانند پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین نیز استفاده نمود. با این واکنش گروه طالبان تغییر ننموده است. واکنش آن ها خشونت و کشتن مردم افغانستان بوده است. رویداد سه شنبه گذشته اولین حمله گروه طالبان نبود. حملات آن ها در هلمند، بغلان و دیگر

ولایات کشور نشان می دهد که آن ها به دنبال صلح و گفتگو نیستند. بنابراین، حکومت افغانستان هر قدر بر گفتگو و مصالحه اصرار ورزد واکنش گروه طالبان یکی خواهد بود. دوم؛ پروسه صلح و استراتژی برخورد نرم با گروه طالبان نه تنها دستاوردی نداشته است بلکه هزینه هنگفت نیز به مصرف رسیده است. حکومت از مجرای جنگ از طالبان صلح به افراد و گروه های که طالبان را از زندان ها آزاد نمود، دست از جنگ می کشد برای مدت زیادی ماهانه پول می پردازد. با این حال، گروه ها و افرادی که به حکومت می پیوندند یک حقه پیش نیستند. زمانی که امتیازی خوب از حکومت گرفت دوباره به میدان جنگ می رود و در برابر نیروهای امنیتی کشور می جنگد. چندین بار گزارش های مبنی بر بیوستن سه باره برخی از اعضای گروه طالبان در رسانه ها منتشر شد. این نشان می دهد که شورای عالی صلح برای گروه طالبان راه در آمد برای جنگ بیشتر شده است. بنابراین، با پرداختن هزینه هنگفت از مجرای شورای عالی صلح اما

معال تجاوز مسلحانه یک دولت دانستهاند که به دولت قربانی حق توسل به دفاع مشروع فردی میدهد و دولت های ثالث نیز مجاز می شوند به دفاع مشروع جمعی متوسل شوند. اما آیا واقعاً یک سازمان تروریستی میتواند معادل یک دولت تلقی شود؟ حقیقت این است که اقدام تروریستی سازمانی چون القاعده، نه بر پایه منشور و نه بر اساس کنوانسیون ژنو حملات نظامی محسوب نمیشود بلکه باید آنرا جنبانی بین المللی به شمار آورد. جنگ علیه تروریسم جنگ بین دولتها نیست- ملت ها نیست، نزاعی بین نیروهای نظامی اعم از زمینی، هوایی یا دریایی دو دولت نیست، بلکه جنگ علیه شبکه های نامعلومی است که نه در نقشه یافت میشوند و نه پایگاه اقتصادی آشکاری دارند که نابود شوند.

افزون بر این توسل به دفاع مشروع بر پایه ماده ۵۱ منشور ملل متحد دارای شرایط لازم الرعایه است:

# مواجهه با تروریسم؛ رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی

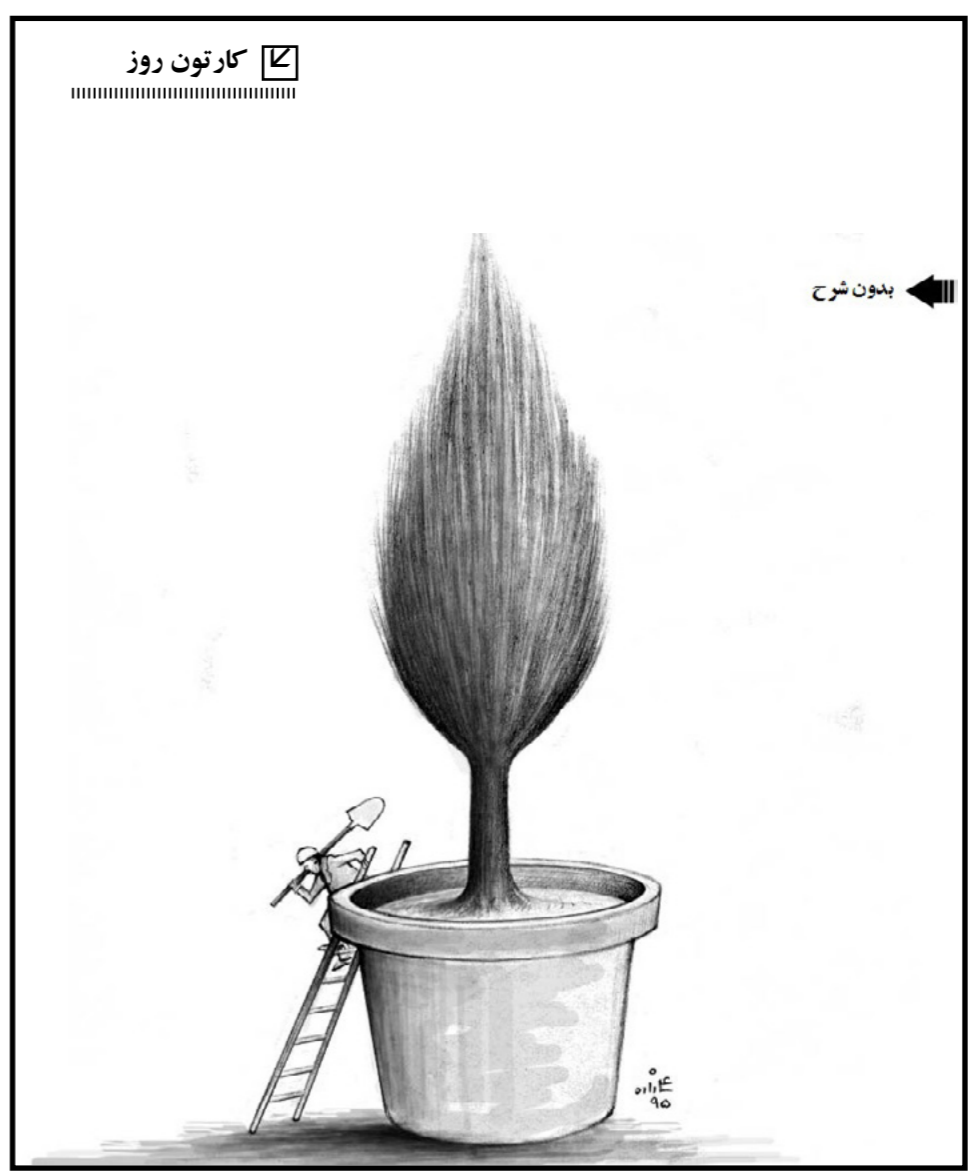
قسمت سوم



خواهد بود؛ اگر در اندیشه استقرار صلح بین المللی هستیم باید از الگوهای دیگر برای مواجهه با تروریسم پیروی کنیم. ب- پارادایم سیاسی برای مقابله صحیح با تروریسم باید به پیام سیاسی آن توجه نمود. متأسفانه جامعه بین المللی هنوز نتوانسته است تعریف مورد وفاقی از تروریسم ارائه دهد. این ناکامی بیشتر علتی سیاسی و نه حقوقی دارد. دولت های سسر خورده، ناتوان یا آنها که قربانی جرایم اقتصادی و اجتماعی هستند یا از خود چنین چهره های ترسیم میکنند از گردن نهان بر تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعات از تروریسم سر باز می زنند. این دولتها بی آنکه آشکارا تروریسم را بسنایند تویحاً آنرا توجیه میکنند و غالباً آنرا آخرین حربه ضعفا به شمار می آورند. تصویب که جای خود دارد و آن متجاوز نشاندن و یا بر ضد قلمرو دولتی که به چنین سازمانی پناه داده است اعمال زور کرد؛ مهمتر از همه آیا شرایط استیغای حق دفاع مشروع در مبارزه نظامی با سازمان های تروریستی فراهم است؟ (Antonio Cassese, ۲۰۰۱: ۹۹۶p; Elizabeth Bumiller, ۲۰۰۱: p. A1) گذشته از اینکه میتوان با این پدیده شوم مبارزه کرد؟ آیا راه مقابله با خشونت لزوماً خشونت است؟ و آیا با کاشتن بذر خشونت میتوان میوه صلح، آرامش و امنیت را انتظار کشید؟ خشونت دولتها تروریست در اندیشه صلح نیستند اما کسانی که قلبشان برای صلح و آرامش و امنیت میتبد باید از الگویی غیر از توسل به زور و نقض حقوق برای مقابله با یک امر نامشروع چون اقدام تروریستی بهره برند. حتی اگر روش نظامی تا حدودی بتواند راه مقابله جدی با شبکه های تروریستی را هموار کند، بدون تردید نمیتوان آنرا راهی مناسب پنداشت. روشهای نظامی سرکوب گرانه اگر پاسخ دهد، بیگمان پاسخی کوتاه مدت

ناباید خود را محدود به روشهای سرکوبگرانه کند. چنین پاسخی یک پاسخ کوتاه مدت خواهد بود. باید به آینده نگریست، عدالت ابعاد گوناگون دارد؛ عدالت اجتماعی یعنی ریشه کنی نابرابری های اجتماعی همچون فقر، توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهل، فقدان تکررگرای سیاسی، دموکراسی و مانند آن جزء مهم عدالت است. همه این پدیده ها را باید ریشه تروریسم دانست که در تشدید نفرت و انزجار ایفای نقش میکنند. (Antonio Cassese: op.cit) وی آنگاه سخنی از کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، نقل میکند که «مردمی که مستأصل و ناامیدند به آسانی جذب سازمانهای تروریستی میشوند.» قطعنامه ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز از این حیث حائز اهمیت است.

این قطعنامه ضمن اینکه اقدامات تروریستی را در هر تجا و توسط هر کسی ارتکاب باید غیر قابل توجیه دانسته و محکوم نموده است، حق غیر قابل نقض تعیین سرنوشت و استقلال تمامی انسانهایی که تحت استعمار و رژیمهای نژاد پرست و دیگر اشکال سلطه بیگانگان و اشغال خارجی به سر میبرند را رسماً شناخته، مشروعیت مبارزات آنان بهیوژه مبارزه جنبشهای آزادی بخش ملی را تأیید میکند. (G.A.res. ۱۹۸۹) مجمع عمومی، در این قطعنامه به خوبی به ضرورت از میان برداشتن علل و ریشه های اقدامات تروریستی توجه کرده، از دولتها خواسته است تا: در حذف و از میان برداشتن علل اصلی تروریسم بین المللی بیش از پیش سهیم گردند و به کلیه وضعیتها از جمله استعمار، نژاد پرستی، وضعیتهایی که در بردارنده نقض گسترده و فاحش حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستند و وضعیت هایی همچون سلطه بیگانگان و اشغال خارجی که میتوانند سبب تحقق تروریسم بین المللی باشند و صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره اندازند، توجه ویژه میدول دارند. به راستی آیا دولتی که گروههایی را از حق تعیین سرنوشت محروم ساخته است، قسمتی از مسؤلیت اقدامات خشونت باری که توسط آنها انجام میشود، را بر عهده ندارد؟ راست است که تروریست و اقدامات خشونت بار، به ویژه اگر متوجه غیر نظامیان باشند در هیچ جا و توسط هیچ کس مشروع نیستند، اما آیا نباید وضعیت گروههایی را که برای دفاع از خویش هیچ راه دیگری نمیشناسند، مورد توجه جدی قرارداد؟ سخنی کوفی عنان را که پیشتر نقل کردیم قابل توجه است که «مردمی که مستأصل و ناامیدند به آسانی جذب سازمانهای تروریستی میشوند.» خلاصه اینکه برای درک بهتر علل واقعی از تکاپ اقدامات شوم تروریستی باید در مواردی به مذاکره نیز به عنوان ابزاری مهم توجه کرد.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا

مدیر مسول: محمد رضا هویدا

سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine